

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

چگونگی فراخوانی نیروهای رزمی خارجی و اصل نظارت بر کشور پس منظر فراخوانی قوت‌های نظامی از اراضی افغانستان تحرکات منطوقی بمنظور دستیابی به جایگاه مورد نظر

نحوه مناسبات ایالات متحده با "طالب"ها
چگونگی سیر حوادث منطوقی و جهانی
تداوم مذاکرات و گفتگوها در دوحه
مشخصات وضع کنونی

برخی از اندیشمندان و اندیشه‌ورزان مدیریت دولتی در حوزه عمل و نظر، بر این باورند که مدیریت در بخش نظامی، متفاوت از مدیریت در بخش ملکی است. سیاست به صبغه، شکل و محتوای اداره، رنگ و لعاب خاصی می‌بخشد. بر این اساس، می‌بایست چیدمان مفهومی و آرایش عملی نحوه اعمال مدیریت در سازمان‌های دولتی با محوریت ارزش‌های سیاسی معماری شود. این رویکرد در ادبیات مدیریت دولتی با عنوان "رویکرد سیاسی" به مدیریت در بخش دولتی مشهور است. رویکردی که با ظهور اداره امور عمومی جدید در بسیاری از کشورها متداول شد و تلاش بعمل آمد تا سیاست را در تار و پود اداره دخالت دهند. در عصر کنونی، نفوذ سیاست در اداره را سیاست زدگی بوروکراسی می‌نامند.

قبل از همه، تذکر این مسأله لازمی پنداشته می‌شود که آغاز گفت‌وگو با ایالات متحده با "طالب"ها و ختم کار آن که آیا به یک توافق جامع صلح انجامیده و یا با یک موافقه جزئی خلاصه می‌گردد، اظهار نظر در مورد، مشکل بنظر می‌رسد. نباید فراموش نمود که توافق جامع صلح، بگمان اغلب که بنیاد و اساس دستیابی به صلح و آشتی در کشور عزیز ما افغانستان را تشکیل می‌دهد. واقعیت متذکره بویژه زمانی که حکومت مورد پذیرش اکثریت از دل انتخابات دموکراتیک و متکی بامواد مندرج در قانون اساسی کشور، پا بعرصه وجود می‌گذارد، به بهترین نحوی تبارز می‌نماید. اما بگمان غالب که چنین وضعیتی با وضوح کامل با نحوه موضع‌گیری و چگونگی موقف "طالب"ها متناسب نمی‌باشد.

معامله جزئی، ممکن زمینه‌های خروج قوت‌های نظامی خارجی از کشور ما را فراهم نموده و "طالب"ها را بمتابیه نیروی قابل توجه در افغانستان همچنان حفظ نماید. اما در چنین وضعیتی، مقامات در کابل باموجودیت حالت ذکر شده مخالفت خواهند ورزید. بهر صورت، جنگی که ۲۰ سال ادامه حاصل نمود، ممکن ختم گردد، اما اصل درگیری همچنان تداوم حاصل خواهد نمود. گزینه‌های دوگانه یادشده، در نوع خود، سبب ایجاد پرسش‌های مختلفی می‌گردد. از آنجایی که در طول مدت زمان سالهایی سال، باند ازه کافی، توجیهات دوگانه حاکمیت سیاسی کشور بمنظور ایجاد مؤسسات کارآمد، ساختار مدیریتی و نیز نظارت بر نیمه دوم کشور

وتلاش بخاطر حفظ قدرت افزایش یافته است، قابل دقت پنداشته می شود.

از جانب دیگر، آیا شورشیان بمثابه یک مجموعه، قادرند تا بدون انجام انتخابات وبدون موجودیت دولتی که از دل چنین انتخا باقی برخاسته باشد ودر سایه عدم موجودیت قانون اساسی ونبود پشتیبانی وسیع وگسترده اهالی برهبری کشور مبادرت ورزند؟ مطابق آمار وارقام داده شده "آسیا فونديشن"، در نتیجه همه پرسی، رقم ۸۲ درصدی افغان ها، اصلن علاقه وتمایلی به "طالب" ها ندارند، در این مقطع پرسشی باین شرح مطرح می گردد که آیا در چنین وضعیتی، درکشور عزیزما تدارک زمينه های حل و فصل صلح آمیز قضایای کشورما عملن موجود می باشد؟ موضعگیری وموقف نماینده های ایالات متحده درباره امور وچگونگی سیر حوادث وقضایای کشورما از چه قرار می باشد؟ مفکوره ونظریه تقسیم قدرت در داخل کشورما، واقعن سوال برانگیزی با شد، درحالیکه حاکمیت سیاسی کشور و "طالب" ها به سیستم های سیاسی متفاوتی وفادار می باشند، چگونه می توان به تقسیم عادلانه قدرت امیدوار بود؟

علاوه برآن، هموطنان افغان ما، برغم توافقات ژنیو طی سال ۱۹۸۸، هیچگاهی به تقسیم و توزیع قدرت با مخالفان مبادرت نورزیده، بلکه همیشه ترجیح داده اند تا بمنظور دستیابی به نظارت منحصربفردی مبارزه نمایند. تا همین اکنون درواشنگتن برخی ها بر راه حل نظامی پافشاری می نمایند، اما باید متذکر گردید وچنانچه تجربه نشان داده است که اندیشه ها وتفکرات اینچنینی از گستردگی حوادث وبرخوردهای کنونی نخواهد کاست. بنابراین، درزمینه به جستجوی راه حل سیاسی قضایا باید همت گماشت. چه بگمان غالب، یگانه راه ومسیری که درکشور به صلح می انجامد، حصول توافق سیاسی درزمینه های مطرح با "طالب" ها می باشد که امکان دسترسی بوسایل زود رس ختم جنگ را مساعد و مهیا می نماید تا تغییر و تبدیل و یا تعویض یک سیستم بی اهمیت با سیستم بی اهمیت دیگر.

جانب افغانستان باید تصمیم بگیرد که چگونه وبا استفاده از چه راهها ووسایلی با جنگ سالاران ودستجات مربوط بآنها، با ما فیای موادمخدر وفساد به مبارزه متوسل گردیده، به وسعت وهمگانی ساختن آموزش سواد و تحصیلات مبادرت ورزیده و اصل نظارت بر تأمین آزادی های دموکراتیک وسیاسی وحفظ ورعایت حقوق بشرودر نظر داشت واحترام به حقوق زنان، سعی ورزد. مسأله تحرک اقتصاد کشور قبل از همه ودرصدر مسایل وموارد مطرح قرار دارد، ایجاد ساختارهای زیربنایی و از میان برداشتن تفاوت های موجود میان شهروده ورفخ اختلافات موجود میان گروههای مختلف مذهبی درجامعه، بخش دیگر کارخانگی ما افغان ها را تشکیل می دهد. با نبود عملکردهای قاطع در مورد وعدم موفقیت در زمینه های گفته آمده در بالا، بمشکل بتوان واقعیت فایق آمدن بر "طالب" ها را از قوه بفعل مبدل نمود، چه آنها از عدم رضایت اهالی و باشنده های کشور و از نبود امنیت وآرامش، بگونه اعظمی سود می برند.

همچنان اظهارنظرهایی مبنی براین امر نیز بگوش می رسد که اهالی دهات وقصبات کشور ومناطق غیرشهری، به "طالب" ها تمایل وعلاقمندی بیشتری دارند، این تمایل وعلاقمندی از رهگذرنحوه ایدئولوژیک و شیوه تفکر طالبانی نه، بلکه از چگونگی عملکردهای غیرقا بل قبول ارگان های رسمی دولتی و حکام و پولیس فاسد بویژه در محلات ناشی می گردد. "طالب" ها بگونه آگاهانه به موزات وسعت وگسترش نا امنی درکشور، درصدد تشدید مناسبات وگسترش نارضایتی های باشنده های سرزمین ما با "دشمن اسلام"(امریکایی ها) از هیچگونه اقدامی دریغ نمی ورزند. چندی قبل، مایک پامپیو، وزیر امور خارجه ایالات متحده اظهار داشت که مذاکرات وگفتگوهایی که میان نماینده های ایالات متحده برهبری خلیل زاد با "طالب" ها جریان دارد، برفع بحران کنونی در افغانستان منجر نخواهد گردید. بگفته نامبرده، واشنگتن در پی جستجوی تفاهم در عرصه هایی می باشد تا بگونه حد اقلی هم اگر شده، موفق به تخفیف وکاهش خشونت در اراضی افغانستان گردد. نباید فراموش نمود تا زمانی که "طالب" ها موارد پشتیبانی های گسترده و سخاوتمندانه پاکستان و بویژه جاتبداری احزاب و گروههای مذهبی و مسلحی که از امریکایی ها بیزار بوده واز آنها نفرت دارند را باخود داشته باشند، پیروزی امریکایی ها در قضایای کنونی کشورما محتمل بنظر نمی رسد. ایالات متحده از ستراتیژی بی اهمیت نظامی پیروی نموده و شرکای غیرمطمئن و بدی، کشور نامبرده را در قضایای کنونی افغانستان همراهی می نمایند. در نتیجه، چنین عملکردهایی سبب گردید تا اهالی کشور، بامریکایی ها بدیده "اشغالگران خارجی" نگاه نمایند کاین خود، کفه همدردی وپشتیبانی با "طالب" ها را بیش از پیش سنگین ترمی نماید.

بگونه حداقل هم اگر شده، برای افغانستان وپاکستان این فرصت میسر گردیده تا یکجا باهم وبامساعی مشترک، بر "طالب" ها فایق آیند، علاوه برآن، جذابیت جنبش یادشده، بگمان اغلب که پس از خروج نظامیان خارجی از کشورما کاهش خواهد یافت و کمک ها ومعاونت های اسلام آباد بآنها نیز تقلیل حاصل خواهد نمود. اما دستیابی بامرمتذکره چندان ساده بسیط و نخواهد بود. چندی قبل، طی ملاقات با صدراعظم پاکستان، دونالد ترامپ اظهار داشت که می تواند افغانستان را طی مدت ده روز از نقشه کره زمین محو نماید. مطابق مفکوره و نظریات مسوول کاخ سپید، با تداوم جنگ و کشتن و بستن تعداد بیشتری از انسان ها، موفقیت در جنگ کنونی نصیب امریکایی ها خواهد شد.

نامبرده همچنان اضافه نموده اظهار داشت که اگر در پی آن باشیم تا در جنگ کنونی پیروز گردیم، من این کار را در طول مدت زمان یک هفته انجام داده و نتایج درخور توجهی بدست خواهیم آورد، اما انجام این کار، به کشتار و تباهی در حدود ۱۰ میلیون تن از انسان ها خواهد انجامید.

بگفته رئیس جمهوری ایالات متحده، اما نامبرده ترجیح می دهد تا با خروج قوت های نظامی و جنگی ایالات متحده، دامن اصل جنگ و درگیری در منطقه برچیده شود کانجام مؤفقاته این کار به زمان و موجودیت منابع و امکانات بستگی دارد.

قبلن، دونالد ترامپ اظهار نموده بود که پس از خروج قوت های نظامی جنگی ایالات متحده از سرزمین افغانستان، تعدادی از کارکنان و مسوولان استخباراتی آن کشور همچنان به موجودیت و حضورشان و تداوم فعالیت های کشفی در افغانستان تداوم خواهند بخشید. نامبرده همچنان اظهار نمود که از مجموعه ۱۶ هزار نظامی ایالات متحده که قبلن در اراضی کشور ما مستقر بودند، این تعداد در وضعیت کنونی به ۹ هزار تن تقلیل حاصل نموده است.

بخاطر داریم که طی بهار سال ۲۰۱۹، ایالات متحده و "طالب" ها، طرح پیشنهادی در مورد خروج نظامیان امریکایی از اراضی کشور ما را توسعه دادند. قبل بر آن، مجلس سنای ایالات متحده نیز به پیش نویس ختم جنگ در افغانستان رأی مثبت داده و آنرا به تصویب رسانید. با تطبیق عملی طرح یادشده، در مصارف جنگی ایالات متحده در کشور ما کاهش بعمل آمده و مبالغ اختصاص داده شده در جنگ افغانستان، در امر مبارزه علیه تروریسم و در راستای ایجاد ساختارهای دولتی در افغانستان و همچنان بمنظور رفع نیازهای ایالات متحده هزینه خواهد گردید.

نباید فراموش خاطر ما گردد که "طالب" ها نیز در قبال گفته ها و موضعگیری های اخیر رئیس جمهوری ایالات متحده در مورد کشور ما، واکنش نشان دادند. دونالد ترامپ، بسیاری از قربانیان مرتبط در مورد را نامناسب پنداشته و یگانه انتخاب بمنظور رفع معضل کنونی کشور ما را اقداماتی می پندارد که به تفاهم و توافق سیاسی در درگیری کشور ما منجر گردد.

اما واکنشگتن، قبل از همه، نگران منافع کشورهای همجوار افغانستان بویژه نگران منافع روسیه در کشور ما می باشد. از مسأله فوق در گزارش کمیته تحقیقاتی کانگرس ایالات متحده نیز تذکار رفته است. در گزارش همچنان یادآوری بعمل آمده است که با ایجاد تشنج در مناسبات ایالات متحده و فدراتیف روسیه، کشور اخیر الذکر در صدد آن شده تا در فضایی بحرانی کنونی کشور ما از نقش بیشتر و سهمگیری فعالتری برخوردار گردد و بمنظور حصول مأمول فوق، معاونت ها و کمک هایی را بجانب "طالب" ها ارائه می نماید. اما مسکو، ادعاهای اینچنینی را همیشه تکذیب نموده است. اما کارشناسان باین باورند که احتمالات اینچنینی، بمثابه دلیل ایدئولوژیک حمله به مسکو بمنظور سرپوش گذاشتن به عدم مؤفقیته و عدم مؤثریت موجودیت قوت های نظامی و جنگی ایالات متحده و ناتو در کشور ما می باشد.

کمیته تحقیقاتی کانگرس ایالات متحده، در مورد چگونگی وضعیت در کشور ما و همچنان درباره ماهیت سیاست آن کشور در افغانستان، اعلامیه ای را به نشر سپرد. اعلامیه یادشده، منعکس کننده نحوه نقش و اثرگذاری فدراتیف روسیه در قبال اوضاع کشور ما بویژه پس از تیرگی فضای مناسبات میان ایالات متحده و روسیه می باشد. نباید فراموش نمود که ایالات متحده، بدلیل مبارزه علیه تروریسم و اعاده ثبات و امنیت در کشور ما وارد اراضی افغانستان گردیده و اما طی مدت زمان دوده موجودیت قوت های مسلح ایالات متحده و ناتو، متأسفانه که صلح و ثبات به کشور ما برنگشته و دورنمای وضعیت امنیتی کشور نیز در هاله ای از ابهام قرار دارد.

در اعلامیه همچنان نوعی از نگرانی آن کشور نیز در مورد نحوه سهمگیری روسیه در بهتر شدن اوضاع کشور ما، بازتاب نموده است. با این حال، تعریف روسیه از اندازه و وسعت "ولایت خراسان" و قلمروهای تحت کنترل آن، معمولن بیش از برآورد ها و اندازه گیری های ایالات متحده و دیگر کشورها می باشد. در عین حال، در گزارش یادشده تذکر بعمل آمده که جانب روسیه، خطر و تهدید موجود را بزرگنمایی نموده و آنرا با گستردگی فوق العاده ای معرفی می نماید تا اصل کمک و معاونت آن کشور به "طالب" ها را بحق جلوه دهد.

اما جانب روسیه، اتهامات وارده بآدرس آن کشور را با قاطعیت رد نموده و آنرا فاقد محتوا می پندارند. چنانچه در اظهار نظر های مقام های رسمی فدراتیف روسیه، بارها واقعیت یادشده تکرار گردیده که جانب روسیه از اقدامات "طالب" ها، بویژه در امر مبارزه با "دولت اسلامی"، پشتیبانی بعمل می آورد.

قابل تذکر می باشد که بگونه قطعی، شایعات در مورد همکاری فدراتیف روسیه با "طالب" ها، توجیه خوب و راحتی بمنظور دامن زدن بآن از جانب ایالات متحده می باشد. اما به یاد ما باشد که ایالات متحده بگونه تکراری و بصورت پیگیرانه ای در امر مذاکرات با "طالب" ها شرکت می ورزد، بویژه در ملاقات و گفتگوهایی که جانب حاکمیت سیاسی کشور در آن شرکت نورزیده و از چگونگی جلسات و بازدیدهای یادشده، از لحاظ زمانی، پس از اخذ تصمیم در جریان گذاشته شده و در قبال تصمیم های از قبل اتخاذ شده قرارداد می شود.

بخاطر داریم که طی ماه‌های نخست سال ۲۰۱۹، عبدالله عبدالله، در زمینه حل و فصل قضایی موجود، سه‌گیری و مشارکت مسکو را تقاضا نمود. بگفته نامبرده، در صورت دستیابی به تفاهم در مذاکرات موردنظر، بگمان اغلب و بگونه منطقی، اصل موجودیت قوت‌های خارجی در اراضی متعلق به افغانستان، مرفوع می‌گردد.

در این میان، به تصور بسیاری از مقامات رسمی در ایالات متحده، فعالیت‌های فدراتیف روسیه، بگونه مستقیم تهدیدی به منافع ایالات متحده در منطقه پنداشته می‌شود.

نویسنده گزارش یادشده، سخنان جیمز ماتیس، وزیر دفاع قبلی ایالات متحده را تکرار می‌نماید که "روسیه رقیب راهبردی ایالات متحده در افغانستان پنداشته می‌شود" و بگفته جان نیکلسون فرمانده قبلی قوت‌های نظامی ایالات متحده در کشورما، فدراتیف روسیه در صدد بی‌اعتبار جلودادن موجودیت ایالات متحده و ناتو در افغانستان می‌باشد. اما جانب روسیه همیشه اذعان داشته که در جهت حل و فصل صلح آمیز قضایی افغانستان از هیچگونه سعی دریغ نورزیده و معتقد است که راه حل نظامی در مورد، مردود پنداشته شده و بمنظور ختم درگیری‌ها و پایان دادن به زد و خورد‌های کنونی و دستیابی به ثبات و امنیت در اراضی افغانستان، استفاده و بکارگیری از راه‌ها و وسایل سیاسی - دیپلماتیک در ارجحیت قرار دارد. در اینمورد، گفتگوهای بین‌افغانی با شرکت طیف وسیعی از نیروهای اجتماعی - سیاسی کشور، بگمان غالب که تعیین‌کننده اوضاع و احوال کشور بحساب می‌آید.

بسیاری از کارشناسان خدمات تحقیقاتی کنگرس ایالات متحده در صدد آنند تا در مورد عملکردهای بعدی ایالات متحده در افغانستان، به فعالیت‌های تحقیقاتی در مورد همت‌گمارند. از جمله، آنها باین مفکوره می‌باشند که ایالات متحده به چه نحوه‌ای از امکانات و منابع موجود در افغانستان بخاطر تأثیرگذاری بیشتر آن کشور در مسایل مربوط به درگیری‌های کنونی و سهمگیری در امر رشد و ارتقای اقتصادی افغانستان و مؤثریت کارکردهای اپارات حکومتی و دولتی در زمینه برخورداری می‌باشد. علاوه بر آن، در سند یادشده، از موجودیت و موقعیت افغانستان در ستراتیژی وسیع و همه‌جانبه و اشنگتن نیز تذکار بعمل آمده است.

بعضی‌ها از درماندگی در درگیری‌های کنونی بمتابه شرکت در "جنگ بی‌پایان" سخن می‌گویند. اما بگمان اغلب که کاهش قوت‌های نظامی ایالات متحده در مجموع کل منطقه در صدد مسایل قرار می‌گیرد. همچنان چنین ابرازنظر نیز می‌گردد که کاهش پشتیبانی و حمایت از فعالیت‌ها و عملکردهای جانب افغانستان، ممکن وضعیت ثبات ناپایدار در کشور را با تهدید مواجه نموده و اختلافات و تنش‌جات در بستر ضد و نقیض‌گویی‌های نژادی بیش از پیش تشدید گردد.

در این میان، چندی قبل رئیس جمهوری ایالات متحده اظهار نمود که قادر به زدودن و پاک نمودن افغانستان از نقشه کره زمین و ختم جنگ و درگیری در افغانستان می‌باشد، اما چنین اقدامی به مرگ ۱۰ میلیون انسان خواهد انجامید. به یقین کامل که اظهارات اینچنینی رهبر ایالات متحده، رهبر کشوری که خود را ناجی و مدافع دموکراسی و انسانیت بمفهوم عام کلمه می‌پندارد، جای سؤال دارد و در نتیجه، روحیه ضد امریکایی در کشور ما را بیش از پیش تقویه خواهد نمود.

همچنان نباید فراموش نمود که با چنین موضعگیری‌ها و اظهارات غیرمسئولانه رهبر ایالات متحده، زمینه‌های تشکل اتحاد‌ها، انتلاف‌ها و همگرایی‌های منطقی، علیه عملکردهای ایالات متحده را فراهم خواهد نمود. چنین گرایش‌هایی حتا از آغاز سال ۲۰۱۴ پس از آنکه ایالات متحده و ناتو به ختم سهمگیری در عملیات نظامی آن کشور و اقدام به مشوره دهی نظامیان افغان بسنده نمود، عملن بمشاهده رسید. در چنین وضعیتی، ادعاهای علیه نیروهای جنگی و نظامی اندکی کاهش حاصل نمود.

بنظر عده‌ای از کارشناسان نظامی ایالات متحده، هزینه‌های اختصاص داده شده آن کشور بمنظور تداوم عملیات نظامی در افغانستان، به مبلغ ۷۵۰ میلیارد دالربالغ می‌گردد.

عده دیگر نیز عملیات نظامی ایالات متحده در افغانستان را "جنگ درحاشیه" نامیده و چنین ادعاهای نمایند که آن مبالغه میلیارد دالری که در انجام عملیات نظامی و جنگی در خارج از محدوده ایالات متحده هزینه می‌گردد، اگر در امر عصری ساختن و خدمات دیگر بمنظور آمادگی‌های بیشتر قوت‌های نظامی ایالات متحده در امر مبارزه با خطرهای احتمالی که در آینده دامنگیر بشریت خواهد شد، اختصاص داده شود، مفید تر و انسانی تر بنظر می‌رسد.

اما متأسفانه، بسیاری از دست‌اندرکاران امور و مسایل مربوط به کشورما چنین می‌پندارند که مسأله ایجاد و تحکیم صلح و ثبات در افغانستان، در آینده‌های دور هم امکان‌پذیر بنظر می‌رسد.

درنتیج غیرقابل پیشبینی موجودیت ایالات متحده در سرزمین و اراضی کشورما که در گزارش مرکز تحقیقات بین‌المللی و ستراتیژیک آن کشور به نشر رسیده، آمده است که اشنگتن در یک زد و خورد نظامی و جنگی طولانی مدت و پرهزینه‌ای که هنوز هم نتیجه آن مشخص نمی‌باشد، درگیر شده است.

۲۷ ماه جولای سال ۲۰۱۹